

تحلیل نشانگرهای فراگفتمانی در رمان آتش بدون دود اثر نادر ابراهیمی بر اساس انگاره‌ی هایلند (۲۰۰۵)

فاطمه ارشدی^۱، محمدحسین شرف‌زاده^۲، لیلا صابری^۳، زهرا رستگار حقیقی شیرازی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان‌شناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

۲. گروه زبان‌شناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

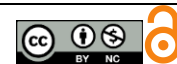
۳. گروه زبان انگلیسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: h.sharafzadeh@gmail.com

چکیده

نشانگرهای فراگفتمانی به عنوان ابزارهای زبانی کلیدی، نقش موثری در تسهیل ارتباط نویسنده با مخاطب و ساختاردهی به متن در تحلیل متون ادبی ایفا می‌کنند. این پژوهش به بررسی و مقایسه نشانگرهای فراگفتمانی در رمان آتش بدون دود اثر نادر ابراهیمی بر اساس انگاره‌ی هایلند (۲۰۰۵) پرداخته است. با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل داده‌ها توسط نرم‌افزارهای SPSS21 و LancsBox6، کاربرد نشانگرهای فراگفتمانی در ساختار روایی و تعامل با خواننده مورد مطالعه قرار گرفت. با بررسی داده‌های این رمان مشخص شده است که تفاوت معناداری در انواع و بسامد نشانگرهای فراگفتمانی در این رمان وجود دارد. این الگوی استفاده از نشانگرهای فراگفتمانی، استراتژی روایی نویسنده را در تطبیق سبک نگارش با اهداف داستانی و نیازهای مخاطب به وضوح نشان می‌دهد. نتایج این مطالعه بر نقش حیاتی نشانگرهای فراگفتمانی در تنظیم ساختار متن و تسهیل تعامل موثر نویسنده با خواننده در رمان آتش بدون دود تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: فراگفتمان تعاملی، فراگفتمان تبادلی، آتش بدون دود، انگاره‌ی هایلند.



شیوه استناددهی: ارشدی، فاطمه، شرف‌زاده، محمدحسین، صابری، لیلا، و رستگار حقیقی شیرازی، زهرا. (۱۴۰۵). تحلیل نشانگرهای فراگفتمانی در رمان آتش بدون دود اثر نادر ابراهیمی بر اساس انگاره‌ی هایلند (۲۰۰۵). گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۴(۴)، ۱۸-۱.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۷ دی ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۱۵ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ مهر ۱۴۰۵

The Treasury of Persian Language and Literature

Analysis of Metadiscourse Markers in Fire Without Smoke by Nader Ebrahimi Based on Hyland's (2005) Model

Fatemeh Arshadi¹, Mohammad Hossein Sharafzadeh^{2*}, Leila Saberi³, Zahra Rastegar Haghighi Shirazi³

1. PhD Student, Department of Linguistics, Marv.C., Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

2. Department of Linguistics, Marv.C., Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

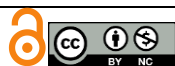
3. Department of English, Marv.C., Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

*Corresponding Author's Email: h.sharafzadeh@gmail.com

Abstract

Metadiscourse markers, as key linguistic devices, play an effective role in facilitating communication between the author and the audience and in structuring the text in the analysis of literary texts. This study examined and compared metadiscourse markers in the novel *Fire Without Smoke* by Nader Ebrahimi based on Hyland's (2005) model. Using a descriptive-analytical method and analyzing the data through SPSS 21 and LancsBox 6 software, the application of metadiscourse markers in the narrative structure and in interaction with the reader was investigated. The analysis of the data from this novel showed that there was a significant difference in the types and frequency of metadiscourse markers in the novel. This pattern of metadiscourse-marker use clearly demonstrates the author's narrative strategy in adapting the writing style to fictional objectives and audience needs. The findings of this study emphasize the vital role of metadiscourse markers in organizing textual structure and facilitating effective author-reader interaction in *Fire Without Smoke*.

Keywords: *interactive metadiscourse, interactional metadiscourse, Fire Without Smoke, Hyland's model.*



How to cite: Arshadi, F., Sharafzadeh, M. H., Saberi, L., & Rastegar Haghighi Shirazi, Z. (2026). Analysis of Metadiscourse Markers in *Fire Without Smoke* by Nader Ebrahimi Based on Hyland's (2005) Model. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 4(4), 1-18.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 28 December 2025

Revise Date: 05 May 2026

Accept Date: 12 May 2026

Initial Publish: 06 September 2026

Final Publish: 23 September 2026

مقدمه

داستان‌ها از گذشته‌های دور بخشی اساسی از زندگی انسان‌ها بوده و ریشه‌های آن‌ها به اوایل پیدایش زبان و ارتباطات انسانی بازمی‌گردد. این نوع روایت‌ها با تبدیل اندیشه‌ها و تجربیات فردی به مفاهیم مشترک، نقش مهمی در انتقال فرهنگ، ارزش‌ها و دانش ایفا می‌کنند. داستان‌ها نه تنها ابزاری برای سرگرمی، بلکه رسانه‌ای قدرتمند برای بیان ایده‌ها، احساسات و تجربیات مشترک بشری هستند. از طریق داستان‌ها، افراد می‌توانند دیدگاه‌ها و تجربیات خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و در نتیجه، پیوندهای اجتماعی و فرهنگی را تقویت کنند. این فرآیند، داستان‌ها را به ابزاری ضروری برای شکل‌دهی به هویت فردی و جمعی تبدیل کرده است. هدف اصلی نویسنده از خلق داستان‌ها، انتقال پیام‌ها و ایجاد ارتباط مؤثر با مخاطب است. برای دستیابی به این تعامل، نویسندگان از ابزارهای فراگفتمانی استفاده می‌کنند. در این راستا، مدل فراگفتمانی هایلند (1) به عنوان یک چارچوب نظری کاربردی، برای تحلیل ابعاد مختلف گفتمان‌های نوشتاری و شناسایی استراتژی‌های گفتمانی به کار گرفته می‌شود. فراگفتمان به عنوان مجموعه‌ای از ابزارهای زبانی، به سه ضلعی ارتباطی متن، نویسنده و خواننده اشاره دارد (2، 3). مطالعه‌ی فراگفتمان‌ها در متون ادبی، به ویژه در ادبیات معاصر فارسی، از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا این ابزارهای زبانی نقش اساسی در درک و تحلیل لایه‌های پنهان متن ایفا می‌کنند. در دنیای امروز که ارتباطات به طور فزاینده‌ای پیچیده و چندبُعدی شده است، درک عمیق‌تر از نحوه‌ی تعامل نویسنده با مخاطب ضروری به نظر می‌رسد. آثار شاخص ادبیات معاصر، مانند رمان آتش بدون دود اثر نادر ابراهیمی، اثری برجسته در ادبیات معاصر فارسی است که حاوی نمونه‌های فراوان و ارزشمندی از تعاملات گفتمانی هستند. بررسی نشانگرهای فراگفتمانی در این متون، درک بهتری از ساختار روایی و نحوه‌ی تعامل نویسنده با مخاطب فراهم می‌کند. مدل فراگفتمانی هایلند

(1) با دو بُعد تعاملی (مشارکتی) و تبادلی (هدایتی)، ابزاری کاربردی برای تحلیل این تعاملات محسوب می‌شود. نشانگرهای تبادلی به سازماندهی و مدیریت اطلاعات متن می‌پردازند، در حالی که نشانگرهای تعاملی بر ایجاد ارتباط و تعامل با خواننده متمرکز هستند. در این راستا، می‌توان گفت که فراگفتمان‌های تعاملی، بیش از هر چیز، به درک عاطفی و حسی مخاطب از متن کمک می‌کنند (4). این دو دسته، با تأثیرگذاری بر درک متقابل نویسنده و مخاطب، جایگاه ویژه‌ای در تحلیل متون ادبی دارند.

این تفاوت‌ها که در سبک و رویکرد نویسندگان به واژه‌ها و عبارات خاص نمایان می‌شوند، نه تنها نشان‌دهنده‌ی تفاوت‌های روایی، بلکه بازتاب‌دهنده‌ی نگرش‌های متفاوت فرهنگی و اجتماعی نیز هستند. از آنجا که تعاملات زبانی در این رمان، از بعد فراگفتمانی، به نوعی شاخص‌های هویتی و فرهنگی را منعکس می‌کند، مدل هایلند امکان می‌دهد که به تفکیک و تحلیل این نشانه‌ها در یک چارچوب علمی پرداخت. افزون بر این، فراگفتمان می‌تواند به درک ژرف‌تری از تعاملات ساختاری و کارکردی متن با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی کمک کند (5). این مدل که بر پایه‌ی رویکرد نقش‌گرایی هلیدی (6) شکل گرفته است، به بررسی نقش نشانگرهای فراگفتمانی در ایجاد ارتباط مؤثر بین نویسنده و خواننده می‌پردازد. با توجه به کاستی در پژوهش‌های گسترده در مورد نشانگرهای فراگفتمانی در ادبیات معاصر فارسی، این مطالعه می‌تواند به توسعه‌ی دانش در این حوزه کمک کند. از این رو، به بررسی و تحلیل نشانگرهای فراگفتمان و راهبردهای آن‌ها در رمان آتش بدون دود نادر ابراهیمی بر مبنای چارچوب فراگفتمانی هایلند (1) پرداخته شد، تا پس از تشخیص نوع آن‌ها، میزان بسامد رخداد نشانگرها مورد مقایسه قرار گیرد و علت این امر بیان شود. ضرورت پژوهش حاضر به دلیل فقدان‌های موجود در مطالعات فراگفتمانی است که عمدتاً تاکنون پژوهش‌ها بر اساس متون علمی، پژوهشی و آکادمیک متمرکز بوده‌اند و کمتر به متون ادبی و روایی

فارسی توجه شده است. پژوهش‌های پیشین، از جمله مطالعات هایلند (1) و دیگر محققان، بیشتر به تحلیل نشانگرهای فراگفتمانی در ژانرهای علمی و آموزشی پرداخته‌اند و کاربرد این نشانگرها را در متون فنی و استدلالی مورد بررسی قرار داده‌اند. این تمرکز محدود، موجب شده است که جنبه‌های زیبایی‌شناختی، روایی و تعاملات زبانی خاص متون داستانی و ادبی، به‌ویژه در زبان فارسی، کمتر مورد توجه قرار گیرد. از این رو، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی نوآورانه و نظام‌مند، به تحلیل نشانگرهای فراگفتمانی در رمان «آتش بدون دود» اثر نادر ابراهیمی می‌پردازد؛ اثری که به‌عنوان یکی از بلندترین رمان‌های فارسی، ظرفیت بالایی برای بررسی پیچیدگی‌های زبانی و روایی دارد. این تغییر بستر پژوهشی از متون علمی به متون ادبی، افق تازه‌ای در مطالعات فراگفتمان گشوده و امکان تحلیل کارکردهای متنوع و چندوجهی نشانگرهای فراگفتمانی را فراهم می‌سازد. در متون ادبی، این نشانگرها نه تنها در سازماندهی و انسجام متن نقش دارند، بلکه در انتقال نگرش‌ها، احساسات و تعاملات میان نویسنده و خواننده نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند. بنابراین، بررسی بسامد و انواع نشانگرهای فراگفتمانی در این رمان می‌تواند به درک عمیق‌تر و جامع‌تری از استراتژی‌های روایی و ارتباطی نویسنده کمک کند و نشان دهد چگونه این ابزارهای زبانی به تنظیم ساختار متن و تسهیل تعامل مؤثر با مخاطب یاری می‌رسانند. از سوی دیگر، با توجه به اهمیت فراگفتمان در بازنمایی هویت‌ها، نگرش‌ها و فرض‌های طرفین ارتباط زبانی، تحلیل نظام‌مند این نشانگرها در متون ادبی فارسی می‌تواند به توسعه‌ی نظریه‌های فراگفتمانی و کاربردهای آن در حوزه‌ی زبان‌شناسی و نقد ادبی کمک شایانی نماید. به این ترتیب، پژوهش حاضر نه تنها خلأ پژوهشی در حوزه‌ی تحلیل فراگفتمان متون داستانی فارسی را پر می‌کند، بلکه به تعمیق فهم نقش و کارکردهای زیبایی‌شناختی و روایی نشانگرهای فراگفتمانی در ادبیات معاصر نیز می‌انجامد. این ضرورت، پژوهش را از حیث

روش‌شناختی و موضوعی از مطالعات پیشین متمایز ساخته و اهمیت آن را در گسترش دانش زبان‌شناسی کاربردی و نقد ادبی برجسته می‌سازد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل دقیق انواع مختلف نشانگرهای فراگفتمانی در رمان آتش بدون دود اثر نادر ابراهیمی بر اساس انگاره‌ی هایلند (1) است. این مطالعه با تأکید بر شناسایی و تعیین بسامد هر یک از انواع نشانگرهای فراگفتمانی، به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا تفاوت‌های معناداری در کاربرد این نشانگرها در متن رمان وجود دارد؟ تحلیل این تفاوت‌ها و بسامدها، امکان فهم عمیق‌تری از الگوی استفاده نویسنده از این ابزارهای زبانی را فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که چگونه نویسنده با بهره‌گیری از انواع مختلف نشانگرهای فراگفتمانی، سبک نگارش خود را متناسب با اهداف داستانی و نیازهای مخاطب تنظیم کرده است. افزون بر این، پژوهش به بررسی نقش این نشانگرها در ساختاربندی متن و تسهیل فرآیند تعامل مؤثر میان نویسنده و خواننده می‌پردازد؛ فرآیندی که به واسطه‌ی آن، خواننده بهتر قادر به درک و پیگیری جریان روایت و پیام‌های نهفته در متن می‌شود. این سؤالات پژوهشی با تکیه بر مدل نظری هایلند (1) و تمرکز بر بسامد و انواع نشانگرهای فراگفتمانی طراحی شده‌اند تا بتوانند کارکردهای روایی و ارتباطی این عناصر زبانی را در رمان به طور جامع و نظام‌مند تحلیل کنند و سهم آن‌ها را در شکل‌دهی به تجربه‌ی خوانش متن روشن سازند.

پیشینه پژوهش

در این بخش، پیشینه‌ی مطالعاتی حوزه‌ی فراگفتمانی به ترتیب در دو دسته‌ی پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی ارائه می‌گردد.

پژوهشگران ایرانی

خسرونژاد (7) در پایان‌نامه‌ی خود با پژوهش بر روی متون نوشتاری نشان می‌دهد در داستان‌های کوتاه مردنگاشته، فراوانی استفاده از عبارت‌های تأکیدی در بین کاراکترهای مرد بیشتر از

زنان و در داستان‌های کوتاه زن‌نگاشته، استفاده از عبارت‌های تأکیدی در بین کاراکترهای زن بیشتر از مردان بوده است. همچنین نتایج پژوهش او نشان می‌دهد در مجموع، استفاده از عبارت‌های تأکیدی در متون زن‌نگاشته بیشتر از متون مردنگاشته و همچنین استفاده از عبارت‌های احتیاط‌آمیز نیز در داستان‌های زن‌نگاشته بسیار بیشتر از داستان‌های مردنگاشته است.

زارعی و همکاران (8) در تحقیقی به بررسی نشانگرهای فراگفتمانی در دو رشته‌ی زبان‌شناسی و مهندسی کامپیوتر به دو زبان فارسی و انگلیسی پرداختند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که منابع فراگفتمانی در دو زبان به‌گونه‌ای متفاوت استفاده شده‌اند و پژوهشگران در حوزه‌های علوم انسانی بر ویژگی‌های متنی جهت کاهش درگیری خواننده تمرکز می‌کنند.

رنجبر و همکاران (9) با بررسی ۲۰۰ مقاله از چهار مجله‌ی معتبر (دو مجله‌ی ایرانی و دو مجله‌ی بین‌المللی) و استفاده از مدل هایلند (1)، به بررسی نشانگرهای فراگفتمانی توسط زنان و مردان فارسی‌زبان و انگلیسی‌زبان در بخش‌های مختلف مقالات مجلات ملی و بین‌المللی پرداختند. نتایج نشان داد که تردیدنماها بیشترین فراوانی را در بین نشانگرهای موضع‌گیری داشتند، در حالی که ارجاع به خود و نگرش‌نماها کمترین استفاده را داشتند. این یافته‌ها بیانگر بی‌طرفی ژانر آکادمیک و احتیاط نویسندگان در بیان مواضع شخصی است. در مورد نشانگرهای مشارکت‌جویی، جهت‌نماها و دانش مشترک بیشترین کاربرد را داشتند، اما تفاوت معناداری بین فارسی‌زبانان و انگلیسی‌زبانان یا بین جنسیت‌ها مشاهده نشد. این مطالعه بر اهمیت نشانگرهای فراگفتمانی در تولید متون تعاملی و مؤثر تأکید می‌کند.

کنهور و همکاران (10) در پژوهشی به تحلیل نشانگرهای تعاملی و میان‌کنشی فراگفتمان در چکیده‌های مقالات پژوهشی انگلیسی‌زبان در حوزه‌های آموزش ویژه و پیش‌دبستانی پرداختند. این مطالعه با بررسی سه گروه نویسندگان (بومی انگلیسی‌زبان،

بومی عراقی و ویراستاران انگلیسی‌زبان) و با استفاده از طبقه‌بندی هایلند و تسه (3، 11)، تفاوت‌های معناداری در کاربرد نشانگرهای فراگفتمان مانند چارچوب‌ها، تأکیدها، تردیدها، حاشیه‌نویسی‌ها و خودارجاع‌ها شناسایی کرد. نتایج نشان داد نویسندگان عراقی بیشتر از چارچوب‌ها و تأکیدها استفاده می‌کنند، در حالی که نویسندگان انگلیسی‌زبان تمایل به کاربرد تردیدها، حاشیه‌نویسی‌ها و خودارجاع‌ها دارند. این یافته‌ها راهکارهایی برای بهبود نگارش علمی، به‌ویژه در چکیده‌نویسی، ارائه می‌دهد.

پژوهشگران غیرایرانی

کریزمور (2) نیز پژوهشی را در مورد به‌کارگیری انواع فراگفتمان در متون علوم اجتماعی آکادمیک و غیرآکادمیک انجام داد. وی دو نوع فراگفتمان اطلاعاتی و نگرشی را مشخص کرد. وی نتیجه گرفت که نوشته‌های کتاب‌های غیردرسی بیشتر از فراگفتمان اطلاعاتی استفاده کرده‌اند، اما تفاوت زیادی با میزان استفاده‌شده در کتاب‌های درسی ندارند. کتاب‌های غیردرسی از فراگفتمان نگرشی، دو برابر بیشتر از کتاب‌های درسی استفاده کرده بودند.

هایلند (1) در مطالعه‌ی خود به تعیین صورت‌های اصلی، نقش‌ها و شیوه‌ی توزیع تردیدنماها در تعداد ۵۶ مقاله‌ی پژوهشی رشته‌ی زیست‌شناسی مولکولی پرداخته و اهمیت تردیدنماها را در این ژانر تبیین نموده است. وی دو نقش اساسی برای تردیدنماها در نگارش دانشگاهی مشخص نموده و آن‌ها را محتوامحور و خواننده‌محور نامیده است. به این ترتیب که ادعاهای مطرح‌شده در نگارش علمی بایستی از دو شرط برخوردار باشند؛ به این مفهوم که با باورهای مربوط به ماهیت واقعیت خارجی مطابقت داشته باشند، شرط کفایت؛ به عبارت دیگر، محتوامحور باشند و آگاهی از عوامل بینافردی را در نظر بگیرند، شرط پذیرش، و خواننده‌محور عمل نمایند. وی ابزارهای تردیدنما را دارای کاربرد چندگانه در نظر می‌گیرد که طیف متنوعی از نقش‌ها را به طور همزمان ایفا می‌نماید.

القهرطانی و همکاران (12) در مطالعه‌ای مبتنی بر جنسیت، تفاوت‌های جنسیتی در استفاده از نشانگرهای فراگفتمانی تعاملی را در مقالات علمی انگلیسی دانشجویان غیرانگلیسی‌زبان بررسی کردند. با تحلیل ۳۰ مقاله از دانشجویان مرد و ۳۰ مقاله از دانشجویان زن بر اساس چارچوب هایلند (1)، نتایج نشان داد که زنان به طور معناداری در استفاده از گزارها، نقش‌نماهای قالبی و ابهام‌زدها پیش‌تاز بودند. تحلیل کیفی نیز نقش عوامل روان‌شناختی و فرهنگی را در این تفاوت‌ها برجسته کرد. یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای محققان حوزه‌ی نگارش آکادمیک، مدرسان مهارت‌های نوشتاری و مؤلفان منابع آموزشی مفید باشد، چرا که بر ضرورت تقویت کاربرد نشانگرهای فراگفتمانی در آموزش نگارش انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی تأکید می‌کند. این نتایج نشان می‌دهد که توجه به تفاوت‌های جنسیتی و تأثیر عوامل فرهنگی می‌تواند به طراحی روش‌های آموزشی مؤثرتر و تدوین محتوای آموزشی مناسب‌تر بینجامد.

کوواس و همکاران (13) به مطالعه‌ی نشانگرهای فراگفتمانی و ژانر متن پرداختند. نتایج مطالعه‌ی آن‌ها نشان می‌دهد که اختلاف در نشانگرهای تعاملی بین متون آکادمیک و غیرآکادمیک نسبتاً کوچک است. این تفاوت توسط مطالعات قبلی شناسایی شده است و در اینجا تأیید می‌شود که این اختلاف ممکن است به استفاده از زبان آکادمیک، موضوع یا شیء مطالعه مرتبط باشد. در مقابل، میانگین مقادیر نشانگرهای تعاملی در متون غیرآکادمیک به‌طور قابل توجهی بالاتر از آن‌ها در متون آکادمیک است.

مطالعه‌ی حاضر از حیث روش‌شناختی و حوزه‌ی پژوهشی با تحقیقات پیشین در زمینه‌ی نشانگرهای فراگفتمانی تمایز اساسی دارد، در حالی که عمده‌ی پژوهش‌های قبلی (مانند مطالعات هایلند و دیگران) بر تحلیل متون علمی، چکیده‌های پژوهشی، مقالات استدلالی و نوشتارهای آکادمیک در حوزه‌هایی چون زبان‌شناسی کاربردی و آموزش زبان متمرکز بوده‌اند، این تحقیق با رویکردی

نوآورانه به بررسی نظام‌مند این نشانگرها در بستر متون ادبی فارسی، رمان آتش بدون دود ابراهیمی، به‌عنوان یکی از بلندترین رمان فارسی می‌پردازد. این تغییر بستر پژوهشی از متون فنی-علمی به متون ادبی-روایی، افق جدیدی در مطالعات فراگفتمان گشوده و امکان بررسی کارکردهای زیبایی‌شناختی و روایی این نشانگرها را در متون داستانی فراهم می‌سازد.

روش پژوهش

این مطالعه با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی نظام‌مند نشانگرهای فراگفتمانی تعاملی و تبادلی در رمان ۷ جلدی آتش بدون دود نادر ابراهیمی می‌پردازد. انتخاب این اثر به دلیل غنای ادبی، عمق فرهنگی و ساختار پیچیده‌ی روایی آن، به‌عنوان نمونه‌ای شاخص در تحلیل‌های فراگفتمانی صورت گرفته است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چارچوب نظری هایلند (1) و ابزارهای کمی شامل نرم‌افزارهای LancsBox6 (برای استخراج داده‌های زبانی) و SPSS21 (برای تحلیل‌های آماری)، به بررسی جامع الگوهای فراگفتمانی در متن کامل اثر پرداخته است. فرآیند اجرای پژوهش در سه مرحله انجام شد:

گردآوری داده‌ها: فیش‌برداری نظام‌مند از کل متن رمان و شناسایی نشانگرهای فراگفتمانی.

تحلیل کیفی: کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها بر اساس مدل هایلند (1) با تمرکز بر ابعاد تعاملی و تبادلی.

تحلیل کمی: بررسی آماری داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوو به منظور تعیین نرمال بودن توزیع فراوانی نشانگرهای فراگفتمانی. این روش‌شناسی ترکیبی (کیفی-کمی) امکان درک عمیق‌تری از کارکردهای فراگفتمانی در سبک روایی ابراهیمی و الگوهای تعامل نویسنده-خواننده در این اثر فراهم می‌سازد.

مبانی نظری پژوهش

تحلیل فراگفتمانی متون ادبی به عنوان یکی از حوزه‌های پویای زبان‌شناسی کاربردی، نقش بسزایی در درک ظرافت‌های تعاملی بین نویسنده و مخاطب ایفا می‌کند. در این میان، آثار برجسته‌ای مانند رمان آتش بدون دود با توجه به غنای معنایی و ساختار پیچیده‌شان، بستر مناسبی برای مطالعات فراگفتمانی محسوب می‌شوند. چارچوب نظری هایلند (1) با ارائه‌ی نظام‌مند نشانگرهای فراگفتمانی، ابزار تحلیلی کارآمدی برای بررسی سازوکارهای تعامل نویسنده-خواننده و بازخوردهای غیرمستقیم در متون فراهم می‌آورد. کاربرد این مدل در ادبیات داستانی فارسی می‌تواند شیوه‌های تعامل گفتمانی نویسندگان ایرانی را در ایجاد ارتباط مؤثر با مخاطبان و تقویت بار معنایی مفاهیم مورد نظرشان روشن سازد.

فراگفتمان

فراگفتمان در تحلیل گفتمان، زبان‌شناسی کاربردی و مطالعات نگارش آکادمیک کاربرد گسترده‌ای دارد و به درک بهتر چگونگی شکل‌گیری ارتباط مؤثر در متون علمی، ادبی و رسانه‌ای کمک می‌کند. فراگفتمان به عناصر زبانی اشاره دارد که نویسنده یا گوینده برای سازماندهی گفتمان، هدایت مخاطب، بیان موضع خود و ایجاد تعامل مؤثر در متن به کار می‌برد. این نشانگرها، که شامل طیف وسیعی از ابزارهای زبانی (مانند گزارها، نقش‌نماهای قالبی، عبارات خوداظهاری‌ها و نشانگرهای تعاملی) هستند، نه تنها به محتوای گزاره‌ای متن نمی‌افزایند، بلکه نقش مهمی در تسهیل درک، جلب توجه مخاطب و تنظیم رابطه‌ی بین نویسنده و خواننده ایفا می‌کنند.

مدل فراگفتمانی هایلند

بر اساس مدل نظری چارچوب هایلند (1)، فراگفتمان به دو دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شود: نشانگرهای تبادلی (هدایتی) و نشانگرهای تعاملی (مشارکتی). این مدل با زیرمجموعه‌های نشانگرهای فراگفتمانی، به نویسنده کمک می‌کند تا ارتباط مؤثرتری با خواننده

برقرار کرده و متن را سازمان‌دهی کند. این مدل در تحلیل متون علمی، نشانگرهای زبانی مانند سطح قطعیت و نگرش‌ها را شناسایی می‌کند و استراتژی‌های ارتباطی نویسنده را بررسی می‌نماید (14). فراگفتمان تبادلی شامل نشانگرهایی چون گزارها، نقش‌نماهای قالبی، نقش‌نماهای درون‌متنی، استنادها و ابهام‌زدها است که به ساختاردهی متن و راهنمایی مخاطب در دنبال کردن استدلال کمک می‌کنند. فراگفتمان تعاملی (مشارکتی) نیز شامل تردیدنماها، یقین‌نماها، نگرش‌نماها، نقش‌نماهای ترغیبی (دخیل‌سازها) و خوداظهاری‌ها می‌باشد که به نویسنده امکان می‌دهند تا دیدگاه‌ها و نگرش‌های خود را به نحوی غیرمستقیم به خواننده منتقل کند. همچنین به تقویت تعامل بین نویسنده و خواننده جهت درک عاطفی و حسی مخاطب از متن کمک می‌کند.

فراگفتمان‌های تبادلی

فراگفتمان تبادلی به عنوان یکی از ارکان اساسی تحلیل گفتمان، نقش محوری در ساماندهی نظام‌مند محتوا و تسهیل انتقال مؤثر پیام ایفا می‌کند. این گونه‌ی فراگفتمانی از طریق مکانیسم‌های زبانی ویژه، چارچوب ساختاری متن را طراحی نموده و مسیر پردازش اطلاعات را برای مخاطب هموار می‌سازد. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی این نوع فراگفتمان مشتمل بر نشانگرهای زبانی است که به ایجاد انسجام منطقی و ارائه‌ی منظم محتوای متنی منجر می‌گردد. کارکرد اصلی این عناصر، تسهیل فرآیند درک و پیگیری استدلال‌های نویسنده توسط مخاطب می‌باشد.

الف) گزارها ابزارهای کلیدی فراگفتمان تبادلی هستند که با ایجاد پیوند معنایی بین جملات و پاراگراف‌ها، خواننده را در دنبال کردن استدلال‌ها و موضوعات متن هدایت می‌کنند. عباراتی مانند «اما»، «زیرا» و «در نتیجه» به تشخیص تغییرات موضوعی و ارتباط‌های علی کمک کرده و از سردرگمی جلوگیری می‌کنند. این ابزارها در متون علمی، با تنظیم ساختار گفتمان، پیوستگی و منطق استدلال‌ها را تقویت می‌کنند (15).

به سطوح معناشناختی ژرف‌تر هستند - از اهمیت راهبردی برخوردار است.

الف) تردیدنماها ابزارهای فراگفتمانی هستند که با عباراتی مانند «احتمالاً» یا «به نظر می‌رسد»، میزان قطعیت نویسنده را نسبت به استدلال‌ها یا اطلاعات بیان می‌کنند. این ابزارها به نویسنده اجازه می‌دهند دیدگاه‌های خود را با احتیاط مطرح کرده و خواننده را در فرآیند تفسیر و تحلیل مشارکت دهند (17).

ب) یقین‌نماها ابزارهایی هستند که به نویسنده اجازه می‌دهند استدلال‌ها و ایده‌های خود را با قاطعیت بیان کنند. عباراتی مانند «قطعاً» و «بدون شک» اعتماد به نفس نویسنده را منتقل کرده و خواننده را به پذیرش قوی‌تر استدلال‌ها هدایت می‌کنند. در متون علمی، این ابزارها یافته‌ها را با اطمینان بیشتری ارائه می‌دهند (13).

ج) نگرش‌نماها نشانگرهایی هستند که دیدگاه‌ها، احساسات و ارزیابی‌های شخصی نویسنده را به خواننده منتقل می‌کنند. عباراتی مانند «متأسفانه» یا «خوشبختانه» به خواننده اجازه می‌دهند تا نگرش عاطفی نویسنده را درک کرده و ارتباط عمیق‌تری با متن برقرار کنند (18).

د) نقش‌نماهای ترغیبی، ابزارهایی فراگفتمانی هستند که خواننده را به مشارکت فعال در متن دعوت می‌کنند. عباراتی مانند «توجه کنید» یا «بیایید فرض کنیم» به خواننده احساس همگامی در فرآیند استدلال می‌دهند و او را از ناظر منفعل به مشارکت‌کننده‌ی فعال تبدیل می‌کنند. این ابزارها در متون علمی و آموزشی برای ترغیب به درک مفاهیم پیچیده کاربرد دارند (14).

ه) خوداظهاری‌ها نشانگرهای فراگفتمانی هستند که با استفاده از ضمائر اول شخص، مانند «من معتقدم» یا «در نگاه من»، نویسنده را به‌طور مستقیم در متن حاضر می‌کنند. این ابزارها دیدگاه‌های شخصی نویسنده را بیان کرده و ارتباط صمیمانه‌تری با خواننده برقرار می‌کنند، در حالی که موضع‌گیری‌های او را نیز آشکار می‌سازند (19).

ب) نقش‌نماهای قالبی، عناصر فراگفتمانی تبادلی هستند که با عباراتی مانند «اول»، «دوم» و «نتیجه‌گیری»، ساختار کلی متن را مشخص کرده و به خواننده در درک سلسله‌مراتب موضوعات و توالی مطالب کمک می‌کنند. این نشانگرها چارچوب متن را تنظیم می‌کنند و درک بهتری از سازمان‌دهی و توزیع محتوا ارائه می‌دهند (16).

ج) نقش‌نماهای درون‌متنی، ابزارهایی هستند که با ارجاع به بخش‌های دیگر متن، مانند «همان‌طور که در بخش قبل اشاره شد» یا «به جدول شماره‌ی یک مراجعه کنید»، ارتباطات معنایی بین بخش‌های متن را تقویت می‌کنند. این ابزارها در متون علمی و پیچیده، دسترسی به اطلاعات مرتبط را تسهیل کرده و درک استدلال‌ها را بهبود می‌بخشند (5).

د) استنادها یا گواه‌نماها، ابزارهای فراگفتمان تبادلی هستند که نویسنده با استفاده از آن‌ها به منابع معتبر (مانند مقالات علمی یا نقل قول‌ها) ارجاع می‌دهد تا اعتبار و مستند بودن استدلال‌های خود را تقویت کند. عباراتی مانند «طبق تحقیقات اسمیت (۲۰۰۳)» به افزایش ارزش علمی متن و اطمینان‌بخشی به خواننده کمک می‌کنند (10).

ه) ابهام‌زداها نشانگرهایی هستند که نویسنده با استفاده از آن‌ها واژه‌ها یا مفاهیم پیچیده را توضیح می‌دهد. عباراتی مانند «به عبارت دیگر» یا «یعنی» به شفاف‌سازی متن کمک کرده و درک مطالب تخصصی را برای خواننده آسان‌تر می‌کنند (14).

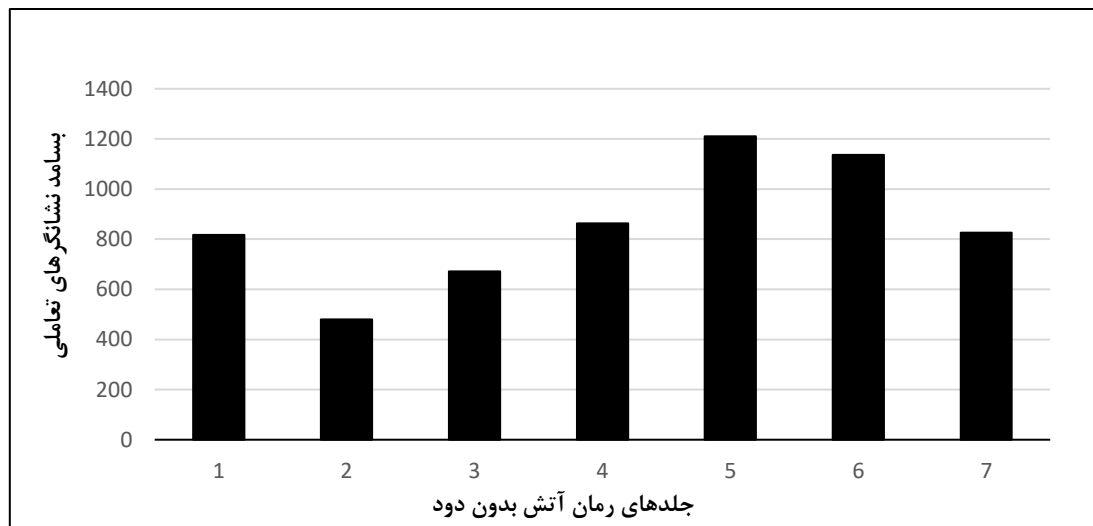
فراگفتمان‌های تعاملی

فراگفتمان تعاملی به‌عنوان سازوکاری زبانی عمل می‌کند که از طریق آن، مؤلف امکان برقراری ارتباط پویا با مخاطب را فراهم می‌آورد. این بُعد از فراگفتمان با بازتاب دیدگاه‌ها و عواطف پدیدآورنده، سطح تعامل خواننده با متن را ارتقا بخشیده و میزان درگیری شناختی او را تشدید می‌نماید. چنین کارکردی به شکل ویژه در متون ادبی و هنری - که مستلزم هدایت تدریجی مخاطب

تحلیل و ارزیابی داده‌ها

این پژوهش با هدف واکاوی انواع فراگفتمان‌های به‌کاررفته در رمان *آتش بدون دود* و در چارچوب نظری هایلند (۲۰۰۵) انجام شده است. متن کامل رمان در نرم‌افزار LancsBox6 وارد شد و با بهره‌گیری از ماژول‌های Words و N-grams، بسامد تک‌واژه‌ها و عبارات مرکب دارای کارکرد فراگفتمانی استخراج گردید. داده‌های به‌دست‌آمده پس از طبقه‌بندی در دو حوزه تعاملی و تبادلی، به نرم‌افزار SPSS21 منتقل شد و با استفاده از شاخص‌های آماری از جمله میانگین، میانه، انحراف معیار و آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، مورد تحلیل قرار گرفت. این فرایند امکان شناسایی دقیق الگوهای زبانی و بررسی تفاوت‌های معنادار

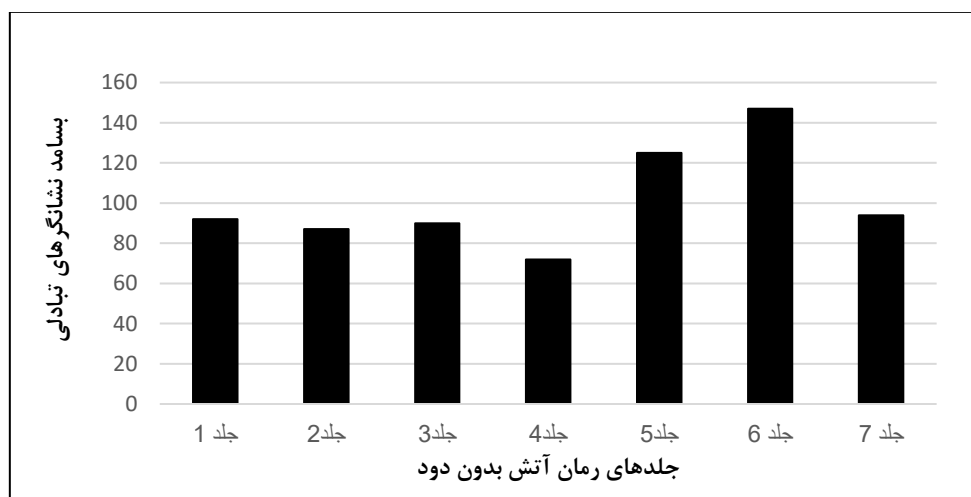
میان انواع فراگفتمان‌ها را فراهم ساخت و زمینه‌ای برای مقایسه با دیگر متون ادبی معاصر ایجاد نمود. فراگفتمان‌های تعاملی در *آتش بدون دود* نقش مهمی در ایجاد پیوند میان نویسنده و خواننده دارند. در جلد‌های آغازین، این نشانگرها به‌طور متعادل برای ورود خواننده به فضای داستان به‌کار می‌روند؛ در میانه رمان با پیچیده‌تر شدن حوادث، بسامد آن‌ها افزایش یافته و نویسنده برای توضیح و تاکید بیشتر از عباراتی چون «همیشه» و «ما» استفاده می‌کند؛ و در جلد پایانی به‌تدریج کاهش یافته و بر جمع‌بندی تمرکز می‌شود. در ادامه، این روند با بهره‌گیری از جداول و نمودارها به‌صورت دقیق‌تر تبیین خواهد شد.



نمودار ۱ فراگفتمان‌های تعاملی در رمان آتش بدون دود

نمودار ۱ نشان می‌دهد که توزیع فراگفتمان‌های تعاملی در هفت جلد رمان *آتش بدون دود* از الگوی تدریجی و متغیری پیروی می‌کند. در جلد‌های ابتدایی، میزان استفاده از این نشانگرها در سطحی متعادل قرار دارد و بیشتر برای ایجاد صمیمیت و برقراری ارتباط اولیه با خواننده به‌کار رفته است. در جلد‌های میانی، بسامد آن‌ها به‌طور محسوسی افزایش یافته و این امر بیانگر پیچیده‌تر شدن روایت و نیاز نویسنده به تعامل و توضیح بیشتر برای همراه‌سازی خواننده است. در جلد‌های پنجم و ششم، فراگفتمان‌های تعاملی

به بالاترین میزان خود می‌رسند و نشان‌دهنده اوج درگیری نویسنده با مسائل محوری و ضرورت ارتباط نزدیک‌تر با مخاطب‌اند. در نهایت، در جلد هفتم شاهد کاهش چشمگیر این بسامد هستیم که با رویکرد جمع‌بندی و تمرکز بر پایان‌بندی روایت هم‌راستا است. این روند حاکی از آن است که نویسنده با به‌کارگیری سنجیده فراگفتمان‌های تعاملی توانسته است نیازهای ارتباطی هر بخش از رمان را متناسب با پیشرفت حوادث مدیریت نماید.



نمودار ۲- فراگفتمان‌های تبدلی رمان آتش بدون دود

نمودار ۲ مربوط به فراگفتمان‌های تبدلی در رمان آتش بدون دود نشان می‌دهند که روند به‌کارگیری این نشانگرها تابعی از نیازهای روایی و ساختاری اثر است. در جلدهای نخست (۱ تا ۳)، بسامد این فراگفتمان‌ها تقریباً ثابت است که بیانگر تمرکز نویسنده بر معرفی شخصیت‌ها، فضا و بستر کلی داستان، و در نتیجه کاهش نیاز به استفاده از ابزارهای انسجام‌بخش زبانی است. با پیشرفت روایت در جلدهای میانی، به‌ویژه جلد ششم، میزان این فراگفتمان‌ها به‌طور محسوسی افزایش می‌یابد؛ امری که نشان‌دهنده پیچیده‌تر شدن خط داستانی و ضرورت بهره‌گیری از عناصر زبانی برای حفظ انسجام و هدایت مخاطب در مسیر روایت است. در جلد پایانی، استفاده از این نشانگرها کاهش می‌یابد و بیشتر بر جمع‌بندی و انتقال پیام نهایی تمرکز می‌شود. این الگوی تدریجی و هدفمند بیانگر توانمندی نویسنده در مدیریت روایت و ایجاد تعادل میان وضوح و پیچیدگی است؛ به‌گونه‌ای که در بخش‌های ابتدایی و پایانی، سادگی و شفافیت روایت برجسته می‌شود، در

حالی که در میانه داستان، انسجام معنایی و پیوستگی رویدادها از طریق فراگفتمان‌های تبدلی تقویت می‌گردد.

در ادامه تحلیل، این پژوهش به بررسی شاخص‌های آماری نشانگرهای فراگفتمانی در رمان آتش بدون دود می‌پردازد، تا الگوهای کاربرد فراگفتمان‌های تبدلی و تعاملی با دقت بیشتری مشخص شود. شاخص‌های آماری که شامل میانگین^۱، میانه^۲، انحراف معیار^۳، و ضریب تغییرات^۴ است، برای توصیف ویژگی‌های کلی نشانگرهای فراگفتمانی تعاملی و تبدلی در جدول ۱ آورده شده است که همراه با آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، برای تحلیل دقیق بسامد و توزیع این نشانگرها مورد استفاده قرار خواهند گرفت. نتایج این تحلیل بر اساس شاخص‌های آماری که شامل میانگین، میانه، انحراف معیار و ضریب تغییرات است، برای توصیف ویژگی‌های کلی نشانگرهای فراگفتمانی تعاملی و تبدلی در جدول ۱ آورده شده است.

³ Standard Deviation

⁴ Co-efficient Of Variation

¹ Mean

² Median

جدول ۱- شاخص‌های آماری نشانگرهای فراگفتمانی تبدلی و تعاملی در رمان آتش بدون دود

ردیف	شاخص	میانگین	میانه	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	گزارها	۵۳/۰۰	۵۰/۰	۲۲/۷۹	۴۳/۰۱
۲	نقش‌نماهای قالبی	۲۰/۶۷	۱۸/۰	۹/۶۵	۴۶/۷۱
۳	نقش‌نماهای درون متنی	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	NaN
۴	استنادها	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	NaN
۵	ابهام‌زداها	۲۵/۶۷	۲۵/۰	۷/۱۷	۲۷/۹۵
۶	تردیدنماها	۸۷/۰۰	۸۵/۰	۳۸/۱۶	۴۳/۸۶
۷	یقین‌نماها	۱۴۲/۶۷	۱۴۸/۰	۶۲/۳۳	۴۳/۶۹
۸	نقش‌نماهای نگرش	۱۱/۰۰	۱۰/۰	۲/۶۵	۲۴/۰۵
۹	نقش‌نماهای ترغیبی	۸/۱۱	۱۰/۰	۵/۶۰	۶۹/۰۴
۱۰	خوداظهارها	۵۵۷/۳۳	۵۸۹/۰	۲۳۴/۴۹	۴۲/۰۷

بر اساس تحلیل آماری انجام‌شده بر نشانگرهای فراگفتمانی - جدول ۱ - در رمان آتش بدون دود، جدول شاخص‌های آماری نشان‌دهنده الگوهای توزیع و پراکندگی این نشانگرهاست. میانگین بسامد خوداظهارها (۵۵۷.۳۳) بالاترین مقدار را در میان نشانگرها نشان می‌دهد که با میانه ۵۸۹.۰ و انحراف معیار ۲۳۴.۴۹، حاکی از کاربرد گسترده و پراکندگی نسبتاً بالای این نشانگر است. یقین‌نماها با میانگین ۱۴۲.۶۷ و ضریب تغییرات ۴۳.۶۹٪ نیز از بسامد قابل‌توجهی برخوردارند، در حالی که گزارها (میانگین ۵۳.۰۰، ضریب تغییرات ۴۳.۰۱٪) و تردیدنماها (میانگین ۸۷.۰۰، ضریب تغییرات ۴۳.۸۶٪) نشان‌دهنده استفاده متعادل نویسنده در ایجاد تعامل و هدایت خواننده هستند. ابهام‌زداها (میانگین ۲۵.۶۷) و نقش‌نماهای قالبی (میانگین ۲۰.۶۷) نیز حضور متوسطی دارند، اما نقش‌نماهای درون‌متنی و استنادها با میانگین صفر، نشان‌دهنده عدم استفاده یا بسامد ناچیز در متن هستند. ضریب تغییرات بالای نقش‌نماهای ترغیبی (۶۹.۰۴٪) و نقش‌نماهای نگرش (۲۴.۰۵٪) بیانگر تنوع در کاربرد این نشانگرهاست. این تحلیل آماری، با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن

داده‌ها، امکان مقایسه دقیق‌تر الگوهای فراگفتمانی و نقش آن‌ها در تقویت تعامل مخاطب را فراهم می‌سازد.

بررسی نرمال بودن داده‌ها

نرمال بودن داده‌های مربوط به فراگفتمان‌ها در کتاب آتش بدون دود با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی شده و نتایج آن در جدول ۳ نشان داده شده است. در این جدول نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نشان می‌دهد که داده‌های بسیاری از شاخص‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند. گزارها با آماره $K-S$ برابر با ۰/۱۵ و مقدار احتمال (P-Value) برابر با ۰/۹۷ تأیید می‌کند که داده‌های آن نرمال هستند. این شاخص یکی از پایدارترین موارد در میان داده‌ها است. استنادها و نقش‌نماهای درون‌متنی به دلیل صفر بودن تمامی مقادیر فاقد نتایج آزمون هستند. بنابراین، این شاخص‌ها نمی‌توانند در تحلیل‌های آماری مورد استفاده قرار گیرند و باید از تحلیل خارج شوند. ابهام‌زداها با آماره $K-S$ برابر با ۰/۳۱ و مقدار احتمال ۰/۲۸، برخلاف سایر شاخص‌ها، توزیع نرمال ندارد. این مقدار پایین‌تر از حد نرمال بودن نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها غیرنرمال است. شاخص‌های مربوط به فراگفتمان‌های تعاملی نیز نتایج قابل‌توجهی دارند.

مقایسه فراگفتمان‌های تعاملی و تبدلی در کتاب آتش بدون دود جدول ۴ و همچنین نمودار ۳ مقایسه فراگفتمان‌ها را در کتاب آتش بدون دود نشان می‌دهد. با توجه به این که برخی از داده‌ها در فراگفتمان‌های تبدلی و تعاملی دارای توزیع نرمال و برخی دیگر غیر نرمال هستند، از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده می‌شود. آزمون ناپارامتریک مناسب در این شرایط آزمون من ویتنی U^1 ، زیرا این آزمون برای مقایسه میانگین دو گروه مستقل در داده‌هایی که توزیع نرمال ندارند یا ترکیبی از نرمال و غیرنرمال هستند، مناسب است.

جدول ۳. نتایج آزمون من-ویتنی U

آماره U	مقدار احتمال (P-Value)
۸۱/۰	۰/۰۰۰۴۱۲

نتایج نشان می‌دهد که مقدار آماره U برابر با ۸۱/۰ است و مقدار احتمال (P-Value) برابر با ۰/۰۰۰۴۱۲ است. با توجه به اینکه مقدار P-Value بسیار کمتر از سطح معناداری معمول ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری بین فراگفتمان‌های تبدلی و تعاملی در کتاب آتش بدون دود وجود دارد. این نتیجه بیانگر این است که استفاده نویسنده از این دو نوع فراگفتمان در متن کتاب به‌طور معناداری متفاوت است.

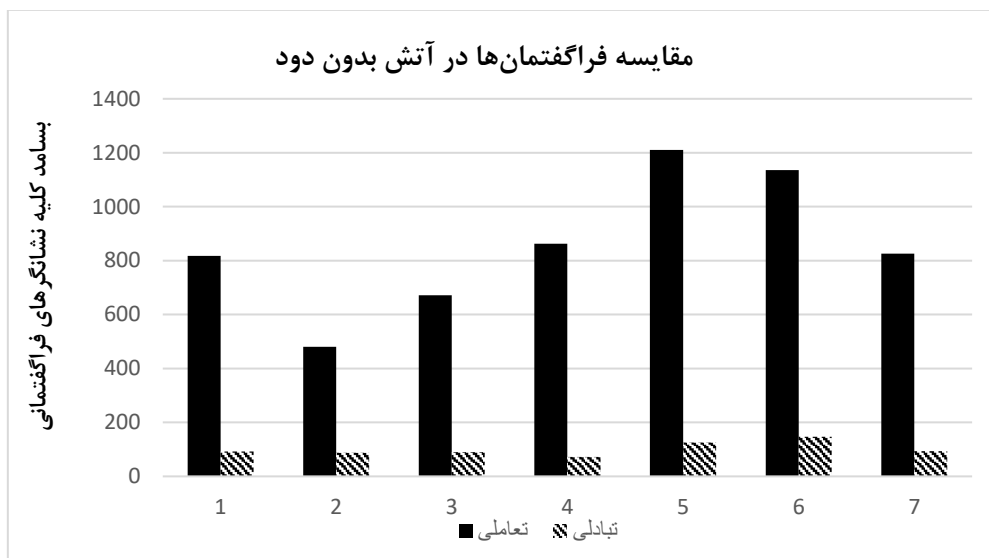
خوداظهارها با آماره K-S برابر با ۰/۰۹ و مقدار احتمال ۰/۹۹، نرمال بودن توزیع را به‌خوبی تأیید می‌کند و نشان‌دهنده پراکندگی یکنواخت داده‌ها است. یقین نماها نیز با آماره K-S برابر با ۰/۱۴ و مقدار احتمال ۰/۹۶ تأیید می‌کند که داده‌های آن نرمال هستند. شاخص نقش نماهای نگرشی با مقدار احتمال ۰/۹۲ و آماره K-S برابر با ۰/۱۶ نیز توزیع نرمال را تأیید می‌کند. با این حال، نقش نماهای ترغیبی با مقدار احتمال ۰/۸۲ و آماره K-S برابر با ۰/۱۹ نزدیک‌ترین شاخص به حد بحرانی ۰/۰۵ است. هرچند که همچنان به عنوان داده‌های نرمال در نظر گرفته می‌شود. در نهایت، تردیدنماها با آماره K-S برابر با ۰/۱۳ و مقدار احتمال ۰/۹۷ نیز تأیید می‌کند که داده‌های آن از توزیع نرمال برخوردار هستند.

جدول ۲. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوو کتاب آتش بدون

دود

ردیف	شاخص	آماره K-S	p
۱	گزارها	۰/۱۵	۰/۹۷
۲	نقش نماهای قالبی	۰/۱۶	۰/۹۴
۳	نقش نماهای درون متنی	None	None
۴	استنادها	None	None
۵	ابهام‌زداها	۰/۳۱	۰/۲۸
۶	تردیدنماها	۰/۱۳	۰/۹۷
۷	یقین نماها	۰/۱۴	۰/۹۶
۸	نقش نماهای نگرشی	۰/۱۶	۰/۹۶
۹	نقش نماهای ترغیبی	۰/۱۹	۰/۸۲
۱۰	خوداظهارها	۰/۰۹	۰/۹۹

¹ Mann-Whitney U test



نمودار ۳ مقایسه فراگفتمان‌ها را در کتاب آتش بدون دود

اهمیت فراگفتمان در تحلیل سبک ادبی و مضامین اجتماعی-تاریخی ادبیات معاصر ایران تاکید می‌کند.

نتیجه گیری

زبان به عنوان نظامی پویا و چندبُعدی، کارکردهای شناختی و ارتباطی پیچیده‌ای را در بافت‌های گفتگویی ایفا می‌نماید. در حوزه مطالعات ادبی، کاربرد نظام‌مند عناصر زبانی فراتر از سطح روایت ساده، به عنوان سازوکاری استراتژیک برای جهت‌دهی به ادراک مخاطب و ایجاد هماهنگی گفتگویی عمل می‌نماید. در این میان، نشانگرهای فراگفتمانی به عنوان ابزارهای شناختی-زبانی، نقش محوری در سازماندهی گفتگمان، بازنمایی موضع نویسنده و تسهیل تعامل متن-مخاطب ایفا می‌کنند. مطالعات گفتگمان‌شناسی ادبی نشان می‌دهد که این نشانگرها در ژانر رمان، به ویژه در بافت روایی، عملکردی دوگانه داشته و همزمان هم به بعد فرازبانی و هم به بعد بینافردی گفتگمان خدمت می‌کنند. در ادبیات داستانی فارسی، که از غنای روایی و پیچیدگی‌های زبانی خاصی برخوردار است، تحلیل این عناصر می‌تواند لایه‌های پنهان سبک‌شناسی و ایدئولوژی نویسنده را آشکار سازد. این رویکرد تحلیلی به ویژه در بررسی رمان‌های معاصر فارسی که در آن‌ها بازی‌های زبانی و

نمودار ۳ رمان «آتش بدون دود» نادر ابراهیمی، بسامد نشانگرهای فراگفتمانی تعاملی (میله‌های جامد) و تبدلی (میله‌های هاشوردار) را در جلد‌های مختلف نمایش می‌دهد. بر اساس چارچوب هایلند (۲۰۰۵)، نشانگرهای تعاملی، مانند خوداظهاریها (میانگین ۵۵۷.۳۳) و یقین‌نماها (میانگین ۱۴۲.۶۷)، به ویژه در جلد‌های پنجم و ششم، با بسامد بالا در میله‌های جامد، تعامل عاطفی و هویت‌سازی شخصیت‌ها را از طریق دیالوگ‌های سولماز تقویت می‌کنند. نشانگرهای تبدلی، مانند گزارها (میانگین ۵۳.۰۰) و چارچوب‌سازها (میانگین ۲۰.۶۷)، با بسامد کمتر در میله‌های هاشوردار، انسجام متن را حفظ می‌کنند. غیاب نقش‌نماهای درون‌متنی و استنادها، تمرکز نویسنده بر تعاملات عاطفی را نشان می‌دهد.

مقایسه میله‌های جامد و هاشوردار، برتری نشانگرهای تعاملی در تمامی جلد‌ها را نشان می‌دهد که در جلد‌های پنجم و ششم به اوج می‌رسد. این روند، استراتژی ابراهیمی در اولویت‌بندی تعاملات عاطفی برای بازنمایی مضامین هویتی و مقاومت فرهنگی را آشکار می‌سازد. نشانگرهای تبدلی با نقش مکمل، ساختار روایت را تقویت می‌کنند. این تعادل، غنای روایی اثر را افزایش داده و بر

خودارجاعی^۱ نقش پررنگی دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدون شک، رمان *آتش بدون دود* اثر نادر ابراهیمی، به دلیل جذابیت داستانی و نوآوری‌های زبانی، از محبوبیت بالایی برخوردار است. بررسی نشانگرهای فراگفتمانی در این رمان، به عنوان یکی از عناصر مهم در سبک نویسندگی، می‌تواند پرده از جنبه‌های تازه‌ای در نحوه روایت و ارتباط نویسنده با مخاطب بردارد. با توجه به نقش کلیدی این نشانگرها در بهبود کیفیت متن و ایجاد تعامل سازنده با خواننده، تحلیل آن‌ها در رمان‌های گوناگون می‌تواند به شناخت دقیق‌تری از سبک نگارش نویسنده منجر شود. در این پژوهش، با تکیه بر چارچوب نظری هایلند (۲۰۰۵)، به تحلیل و بررسی نشانگرهای فراگفتمانی در رمان *آتش بدون دود* پرداخته شده است. در این رمان فراگفتمان‌های تبادلی در جلد‌های میانی به اوج می‌رسند و سپس کاهش می‌یابند، که بیانگر تلاش نویسنده برای تقویت انسجام و پیوستگی داستان است. این در حالی است که فراگفتمان‌های تعاملی برای ایجاد ارتباط مستقیم با خواننده به کار رفته‌اند و در جلد‌های پایانی کاهش می‌یابند. نویسنده از فراگفتمان‌های تعاملی به عنوان ابزار اصلی برای ایجاد ارتباط بین عناصر داستان و مخاطب استفاده کرده است، در حالی که فراگفتمان‌های تبادلی نقش مکمل داشته و در بخش‌هایی که نیاز به انتقال مستقیم اطلاعات بوده، به کار گرفته شده‌اند. این الگو نشان‌دهنده استراتژی هدفمند نویسنده در تطبیق سبک روایت با نیازهای داستان در مراحل مختلف است. این امر بیانگر رویکرد هدفمند نویسنده در جهت تقویت ارتباط با خواننده و ایجاد هماهنگی بیشتر بین عناصر داستانی است. در مقابل، فراگفتمان‌های تبادلی به عنوان ابزاری مکمل، عمدتاً در بخش‌هایی

studies because they reveal how writers organize texts, guide readers, display stance, and construct interaction within written

¹ Self-referentiality

از رمان که نیاز به انتقال مستقیم و صریح اطلاعات وجود داشته، به کار گرفته شده‌اند. این الگوی استفاده از نشانگرهای فراگفتمانی، استراتژی روایی نویسنده را در تطبیق سبک نگارش با اهداف داستانی و نیازهای مخاطب به وضوح نشان می‌دهد. نتایج حاصل از تحلیل آماری نشان می‌دهد که در میان نشانگرهای فراگفتمانی مورد بررسی، «خوداظهارها» با میانگین ۵۵۷/۳۳، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. «یقین‌نماها» با میانگین ۱۴۲/۶۷ و «تردیدنماها» با میانگین ۸۷/۰۰ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در مقابل، «نقش‌نماهای درون متنی» و «استنادها» فاقد هرگونه فراوانی در نمونه‌های مورد مطالعه بوده‌اند. ضریب تغییرات برای بیشتر شاخص‌ها نسبتاً بالا است، به ویژه برای «نقش‌نماهای ترغیبی» (۶۹٪/۰۴)، که نشان‌دهنده پراکندگی زیاد داده‌ها حول میانگین است. به طور کلی، این یافته‌ها حاکی از آن است که نویسندگان در متون مورد بررسی، بیشتر از طریق «خوداظهارها» و «یقین‌نماها» به تعامل با خواننده پرداخته و سعی در انتقال قطعیت و اطمینان به مخاطب داشته‌اند. با توجه به آزمون‌های مختلف آماری، نتایج نشان داد که تفاوت معناداری در انواع و بسامد نشانگرهای فراگفتمانی در این رمان وجود دارد. این تعاملات شامل تکنیک‌هایی است که نویسنده برای سازماندهی متن، انتقال احساسات، تاکید بر نکات مهم و ایجاد همدلی با مخاطب به کار می‌گیرد. در نتیجه، این آثار به عنوان نمونه‌هایی غنی و پربار برای مطالعه و تحلیل تعاملات گفتمانی و فراگفتمانی در نظر گرفته می‌شوند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Metadiscourse markers constitute an important analytical category in discourse

communication. In literary discourse, these markers acquire particular significance because fictional texts do not merely transmit propositional content; they also create narrative rhythm, direct interpretive attention, shape reader involvement, and mediate the relationship between authorial voice, narrative structure, and audience reception. Accordingly, the present study examined metadiscourse markers in Nader Ebrahimi's novel *Fire Without Smoke* on the basis of Hyland's metadiscourse model. Hyland's framework conceptualizes metadiscourse as a set of linguistic resources through which writers manage interaction with readers and organize discourse in socially meaningful ways (1). This perspective is rooted in the broader understanding that language performs not only ideational but also interpersonal and textual functions, and that written communication depends on the writer's ability to coordinate meaning, structure, and reader engagement (3, 6). Previous studies have shown that metadiscourse markers are central to the rhetorical organization of academic, persuasive, and genre-specific texts (2, 13). However, the application of this framework to contemporary Persian fiction remains relatively limited, particularly in relation to long narrative texts with complex cultural, social, and aesthetic structures.

The main purpose of this research was to identify, classify, and analyze the frequency and distribution of interactive and interactional metadiscourse markers in *Fire Without*

Smoke. The study was designed to determine whether meaningful differences exist among the types and frequencies of metadiscourse markers in the novel and to clarify how these markers contribute to the author's narrative strategy. Based on Hyland's model, interactive metadiscourse markers help organize textual information and guide readers through the discourse, while interactional markers help establish author-reader engagement, indicate stance, and construct a dialogic relationship with the audience (1). This distinction has been widely used in previous studies of academic and professional discourse, where transitions, frame markers, endophoric markers, evidentials, and code glosses are generally associated with textual guidance, whereas hedges, boosters, attitude markers, engagement markers, and self-mentions are associated with interpersonal positioning (14, 15). In the context of fiction, these categories can illuminate not only linguistic organization but also narrative control, affective alignment, and the implicit negotiation of meaning between the narrator and the reader.

This study employed a descriptive-analytical method with a mixed qualitative-quantitative orientation. The corpus consisted of the complete seven-volume text of *Fire Without Smoke*, selected because of its literary richness, cultural depth, and complex narrative structure. First, the text was examined systematically to identify metadiscourse markers according to Hyland's classification. Then, the identified markers were coded and

categorized into interactive and interactional groups. The qualitative stage focused on classifying the markers according to their discourse functions, while the quantitative stage examined their frequencies and distributional patterns. LancsBox 6 was used to extract and organize linguistic data, and SPSS 21 was used to conduct statistical analysis. The Kolmogorov-Smirnov test was applied to examine the normality of the distribution of metadiscourse-marker frequencies. This combined procedure made it possible to study both the functional role of metadiscourse in the narrative and the statistical pattern of marker use across the text. Similar methodological approaches have been used in previous metadiscourse studies to compare writerly choices across disciplines, languages, genders, and genres (9, 10, 12).

The findings indicated that metadiscourse markers were not distributed uniformly in the novel. Instead, the text displayed meaningful variation in the types and frequencies of markers, suggesting that Ebrahimi's narrative style relies on a deliberate and differentiated use of discourse-management and reader-engagement strategies. Interactive markers contributed to textual cohesion, narrative continuity, and the organization of events, ideas, and interpretive cues. These markers helped readers follow transitions, identify textual relations, understand explanatory sequences, and process the progression of narrative meaning. Interactional markers, by contrast, strengthened the interpersonal

dimension of the text by revealing stance, emphasizing certainty or uncertainty, directing reader attention, and facilitating affective involvement. This pattern corresponds to earlier findings that metadiscourse markers differ across genres and communicative contexts and that their use reflects the rhetorical priorities of the text (8, 13). In *Fire Without Smoke*, the observed distribution demonstrates that metadiscourse is not a merely decorative linguistic feature but a functional mechanism through which the author manages the reader's movement through a long and culturally layered narrative. The results also suggest that the novel's metadiscourse profile reflects the interaction between narrative form, cultural representation, and reader positioning. Since *Fire Without Smoke* is a major work of contemporary Persian fiction, its linguistic texture includes numerous opportunities for examining how authorial choices shape interpretation and guide audience response. Previous studies have emphasized that metadiscourse markers vary according to discipline, genre, cultural context, rhetorical identity, and communicative purpose (4, 11, 19). The present analysis extends this line of inquiry by showing that literary narrative can also be examined through the same theoretical lens, provided that the aesthetic and narrative functions of markers are taken into account. In this respect, the study differs from much of the prior research, which has mainly focused on research articles, academic

writing, abstracts, argumentative essays, and educational texts (16-18). By shifting the analytical focus from academic prose to literary fiction, the study contributes to a broader understanding of metadiscourse as a discourse-organizing and reader-positioning resource across different textual domains.

In conclusion, the study demonstrates that metadiscourse markers play a central role in structuring the narrative discourse of *Fire Without Smoke* and in facilitating effective interaction between the authorial voice and the reader. The uneven distribution of marker types indicates that Ebrahimi employs these linguistic resources strategically to organize textual flow, strengthen coherence, guide interpretation, and deepen reader engagement. The findings show that the analysis of metadiscourse in fiction can provide valuable insights into narrative technique, textual organization, and the communicative architecture of literary works. This research therefore fills part of the gap in Persian literary discourse studies by applying a systematic metadiscourse framework to a major contemporary novel. It also confirms that metadiscourse analysis can move beyond academic and technical genres and serve as a useful tool for literary criticism, applied linguistics, and stylistic analysis. Ultimately, the study highlights the importance of examining how linguistic markers shape the reading experience, support narrative meaning, and contribute to the aesthetic and communicative power of literary texts.

References

1. Hyland K. *Metadiscourse: Exploring Writing in Interaction*. London: Continuum; 2005.
2. Crismore A, Markkanen R, Steffensen MS. *Metadiscourse in Persuasive Writing: A Study of Texts Written by American and Finnish University Students*. *Written Communication*. 1993;10(1):7-39.
3. Hyland K. *A Convincing Argument: Corpus Analysis and Academic Persuasion*. In: Connor U, Upton T, editors. *Discourse in the Professions: Perspectives from Corpus Linguistics*. Amsterdam: John Benjamins; 2004.
4. Lotfi SAT, Sarkeshikian SAH, Saleh E. *A Cross-Cultural Study of the Use of Metadiscourse Markers in Argumentative Essays by Iranian and Chinese EFL Students*. *Cogent Arts and Humanities*. 2019;6(1):1601540.
5. Radan S, PourEbrahim F, Sattarpour S. *A Comparison of Metadiscourse Markers in Research Articles Written by Iranian Authors Published in National and ISI Journals*. University of Maragheh, Faculty of Humanities; 2021.
6. Halliday F. *Rethinking International Relations*. Bloomsbury Publishing; 1994.
7. Khosronejad A. *The Role of Gender on Content Analysis of English and Persian Short Stories*. Tarbiat Moallem University; 2007.
8. Zarei GR, Mansoori S. *A Contrastive Study on Metadiscourse Elements Used in Humanities Versus Non-Humanities Across Persian and English*. *English Language Teaching*. 2011;4:42-50.
9. Ranjbar M, Yazdani H, Ahmadian M, Ameryan M. *A Study on the Use of Metadiscourse Markers by Persian- and English-Speaking Male and Female Writers in Various Sections of National and International Research Articles*. Arak University, Faculty of Literature and Humanities; 2021.
10. Kanhavar MH, Sabati E, Afshar T. *A Comparative Study of Interactive Metadiscourse Markers in English Texts*. Iraqi and Native English Editors: Ilam University, Faculty of Literature and Humanities; 2023.
11. Tse P, Hyland K. *Discipline and Gender: Constructing Rhetorical Identity in Book Reviews*. In: Hyland K, Diani G, editors. *Academic Evaluation: Review Genres in University Settings* 2009. p. 105-21.
12. Alqahtani SN, Abdelhalim SM. *Gender-Based Study of Interactive Metadiscourse Markers in EFL Academic Writing. Theory and Practice in Language Studies*. 2020;10(10):1315-25.

13. Cuevas-Alonso M, Miguez-Alvarez C. Metadiscursive Markers and Text Genre: A Metareview. *Publications*. 2021;9(56).
14. Sarani M, Habibi AA, Arab Yusefabadi A, Behroozi M. An Analysis of Metadiscourse Markers in Al-Hosseini Al-Saghir Journal Based on Hyland's Interactive and Interactional Model: University of Zabol, Faculty of Literature and Humanities; 2023.
15. Tajer P, Jokar A, Fakhraahmad SM, Khormaei A, Sotoodeh H. Analyzing the Application of Hyland's Metadiscourse Model in Citation-Based Automatic Summarization: Proposing a Context-Aware Annotation Scheme. *Librarianship and Information Science of Astan Quds Razavi*. 2019;99(3).
16. Atabaki F, Mohammadi AM, Ahmadian M. A Comparative Study of Metadiscourse Markers Used in the Listening Texts of Open Forum 2 and Contemporary Topics 1: With Educational Applications: Arak University, Faculty of Literature and Humanities; 2020.
17. Rezaei S, Koohi D, Saeedi M. Metadiscourse Elements and Their Developmental Patterns Over Time. *Journal of English Language Pedagogy and Practice*. 2019;12(25).
18. Harahap A, Pd HM, Sofyan D. A Comparative Research on Metadiscourse Markers Used in the Introduction Section of Local, National, and International Journal Articles on English Education. *Edu-Ling: Journal of English Education and Linguistics*. 2020;4(1):61-78.
19. Soltani R, Shekarpour N. The Status of Metadiscourse Marker Usage in Iranian Medical Research Articles: A Comparative Study. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*. 2021;31(196):92-100.